

یادداشت

آه‌اب در واشنگتن



لارس اسوندسن

ترجمه:احمدامیرخلیلی

روی بخش داخلی بازوی بیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، عبارت لاتینی با حروف گوتیک خالکوبی شده است: «Deus Vult» که شعار جنگی نخستین جنگ صلیبی در سال ۱۰۹۶ بود و به پاپ اوربان دوم زمانی که شوالیه‌های اروپا را برای جنگ به منظور بازپس‌گیری اورشلیم از مسلمانان فراخواند، نسبت داده می‌شود. هگست این موضوع تاریخی را به‌خوبی می‌داند چراکه همین عبارت، آخرین کلمات کتاب او با عنوان جنگ صلیبایی آمریکایی (American Crusade) نیز هست. او «Deus Vult» را «فریاد جنگی شوالیه‌های مسیحی هنگامی که به سوی اورشلیم حرکت می‌کردند» توصیف می‌کند، دعوتی از «پیروان مسیح برای برداشتن شمشیر در دفاع از ایمان، خانواده‌ها و آزادی‌شان». به نظر می‌رسد هگست ترمزدی آگاهانه از ممنوعیت خالکوبی در سفر لایوان (۲۸۱۹) دارد. روی سینه‌اش خالکوبی بزرگی از صلیب اورشلیم دیده می‌شود، نمادی از سلسله پادشاهان صلیبی که ارتش‌های اروپایی پس از تصرف اورشلیم در سال ۱۰۹۹ ایجاد کردند. او بازنویش در کنار عبارت «Deus Vult»، شمشیری درهم‌تنیده با یک صلیب دیده می‌شود که روی تیغه آن یسوعا (Yeshua) نام مسیح به زبان عبری را شکل می‌دهد. این خالکوبی به آیه‌ای از انجیل متّی (۲۴:۱۰) اشاره دارد: «من نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه شمشیر کشیده‌ام برای جنگ».

از زمانی که هگست «وزارت دفاع» را در دست گرفته و آن را «وزارت جنگ» نامید، در پنتاگون فراسم دعا‌های ماهانه مسیحی برقرار شده است. او برای سربازانش در میدان نبرد ترمزور ۱۴۴ از کتاب مزامیر را بارها نقل کرده است: «مبارک است خداوند، صخره من، که دست‌انم را برای نبرد و انگشتانم را برای جنگ تعلیم می‌دهد.» با این حال، ارتش آمریکا از نظر قانون اساسی موظف به بی‌طرفی دینی است. سربازان به یک «دین» خاص سوگند وفاداری نمی‌خورند، بلکه به «قانون اساسی» سوگند می‌خورند. سازمان آزادی دینی نظامیان (MRFF) از زمان حمله به ایران بیش از ۲۰۰ شکایت از بیش از ۵۰ پایگاه نظامی آمریکایی دریافت کرده است، شکایت‌هایی که در آنها سربازان گزارش داده‌اند برخی افسران، جنگ را برای‌شان در قالبی دینی و آخرالزمانی وصف می‌کنند. در یکی از شکایت‌ها که روزنامه گاردین آن را نقل کرد، فرماندهی به افسران زبردست خود گفته است که جنگ با ایران بخشی از نقشه الهی خداوند است و دونالد ترامپ به دست عیسی، مَسح شده تا آتش‌نشانه را در ایران برافروزد و آرمگادون را آغاز کند و بازگشت مسیح به زمین را رقم بزند. شکایت‌های دیگری نیز از افسرانی می‌گوید که دلایل نبرد خود را به تصاویر آخرالزمانی کتاب مکاشفه یوحنا ارجاع داده‌اند و جنگ با ایران را «نزاعی مورد تأیید کتاب مقدس» توصیف کرده‌اند که با تصورات مسیحی از پایان جهان مرتبط است. هگست نیز از تریبون پنتاگون جنگ با ایران را چنین توصیف کرده است: «مرگ و ویرانی از زمین و آسمان در تمام طول روز».

در این نوع تصور و نگرش غیر انسانی وقتی دشمن دیگر یک رقیب سیاسی نباشد و نماد شر مطلق شود، سازش با او خیانتی دینی و اخلاقی جلوه می‌کند. در چنین وضعی نوعی همسان‌سازی تفکر شخصی شکل می‌گیرد: رهبر نقش خود در جنگ را به مبارزه‌ای تاریخی پیوند می‌زند، به گونه‌ای که انتقاد از «جنگ و جنگ‌طلبی» به‌مثابه انتقاد و مقابله با «اراده خدا» جلوه می‌کند. هگست، ترامپ را فرمانده صلیببان (Crusader in Chief) می‌نامد. در کتاب جنگ صلیبی آمریکایی او چشم‌انداز سیاسی خود را به‌صورت نبردی میان نیروهای مطلق خالص توصیف می‌کند: «آمریکانیسم» (نازیسم مدرن) در برابر همه‌چیز دیگر؛ فمینیسم، جهانی‌گرایی، مارکسیسم و پیشروگرایی. نتیجه این نبرد نیز مطلق است: یا «آمریکانیسم پیروز می‌شود» یا «مرگ فرا می‌رسد» و دیگر چه مصداقی روشن‌تر از این طرز تفکر مطلق و آخرالزمانی را که در لباس سیاست پناه گرفته است، می‌توان بیان کرد؟!

هگست من را یاد کاپیتان آه‌اب در رمان «موسی‌دیک» اثر هرمان ملویل می‌اندازد. تعقیب نهنگ سفید از سوی آه‌اب داستانی درباره شکار نهنگ نیست، بلکه یک مرجع مطالعاتی و رویکردی است. رویکرد و تفکری که یک تعارض را از سطح سیاسی به سطحی آیدئولوژیک و متافیزیکی تبدیل می‌کند. در این نقطه، نهنگ دیگر حیوان نیست، بلکه نماد مطلق خود شر است و شکار نهنگ دیگر مسئله‌ای استراتژیک یا منفعت‌طلبانه نیست، بلکه فراخوانی کیهانی است. این فراخوان به هر رنج و سختی معنا می‌دهد، قربانیان را شهید تصور می‌کند و تردید در این رویکرد را خیانت به همه‌چیز می‌داند، و در نهایت سازش و صلح را ناممکن می‌کند، زیرا چه کسی است که با شر مطلق مذاکره کند؟ ملویل نشان می‌دهد که چگونه رویکرد و جهان‌بینی آه‌اب به‌تدریج به جهان‌بینی تمام خدمه کشتی تبدیل می‌شود. کشتی، او پکواد، دیگر در خدمت دموکراسی و تفکر جمعی نیست بلکه کشتی پکواد نامد جامعه‌ای است که در آن روابط میان کاپیتان از جهان‌بینی خودش، صدای تفکر دیگران را شکل می‌دهد و صدای مخالفان را خفه می‌کند. وقتی نهنگ به نماد شر مطلق تبدیل شود، دیگر هر اعتراض یا تردیدی نشانه ضعف یا ترس تلقی می‌شود.

داستان موسی دیک با فاجعه پایان می‌یابد. کشتی پکواد غرق می‌شود و نهنگ شکست‌ناپذیر است چون آه‌اب شکار را به مسئله‌ای حیثیتی از عدالت متافیزیکی تبدیل می‌کند که هیچ سازش یا عقب‌نشینی‌ای را برنمی‌تابد. تنها بازمانده ایشماعیل است، همان مردی که هرگز کاملاً در روایت آه‌اب غرق نشد. نکته ملویل این نیست که ایمان دینی به خودی خود خطرناک است بلکه این است که وقتی تعارض‌ها به‌عنوان نبردهای کیهانی تفسیر شوند محدودیت‌های اخلاقی خود را از دست می‌دهند و در نتیجه امکان پایان‌یافتن‌شان به شکلی مسلم‌ت‌آمیز و صلح‌آمیز نیز از بین می‌رود. در چنین وضعی دیپلماسی، خیانت جلوه می‌کند و هدف محدود نشانه ترس است. جنگ از درون رشد می‌کند نه به‌خاطر واقعیت‌ها و دلایل استراتژیک نظامی بلکه به‌خاطر منطق نادرست روایت‌ها از تعارضات و تهدیدها. آه‌اب خودآگاه سکنان کشتی را برای نابودکردن کشتی خود به دست نگرفت زیرا گمان می‌کرد در حال تعقیب شر است. هگست هم ناخودآگاه چیزی را نمایندگی می‌کند که ملویل به‌خوبی می‌شناخت: «مردی که اجازه داده داستانی دروغین بر او مسلط شود».

پس از غرق‌شدن پکواد، تنها ایشماعیل باقی می‌ماند تا داستان را از نو روایت کند. ملویل می‌دانست که چنین داستان‌هایی همیشه باید از سوی کسانی روایت شوند که هنوز غرق در روایت‌های دروغین نیستند و به هر داستانی به‌راحتی ایمان نمی‌آورند.

کالبدشکافی قیمت نفت در تنش‌های خاورمیانه

هژمونی ژئوپلیتیک بر فاندمنتال‌های بازار



امیررضا اعطایی

کارشناس ارشد مدیریت ساخت

– عمدتا از مبدأ قطر – از همین آبراه عبور می‌کند. توقف صادرات LNG خاورمیانه، قیمت بنچمارک‌های گازی نظیر TTF اروپا و JKM آسیا را به سقف‌های تاریخی جدیدی پرتاب کرده است. با کمیاب‌شدن و گرانی شدید گاز طبیعی، نیروگاه‌های تولید برق در آسیا و اروپا به ناچار به سمت سوزاندن سوخت‌های مایع (مانند مازوت و گازوئیل) روی می‌آورد. این چرخش اجباری، در بدترین زمان ممکن، روزانه بین یک تا ۱.۵ میلیون بشکه تقاضای جدید برای نفت خام و فرآورده ایجاد می‌کند که به‌مثابه بزنینی بر آتش بحران کمبود عرضه عمل می‌کند.

۴. بن‌بست نهادهای بین‌المللی و توهم ذخایر استراتژیک (SPR)

در مواجهه با این اختلال عظیم، چشم‌ها به سمت آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و آزادسازی هماهنگ ذخایر استراتژیک نفت (SPR) توسط کشورهای مصرف‌کننده دوخته شده است. با این حال، ریاضیات بازار بی‌رحم است. بازار به‌سرعت درمی‌یابد که استفاده از ذخایر استراتژیک در شرایطی که چشم‌انداز مشخصی برای بازگشایی تنگه وجود ندارد، صرفا به معنای تخلیه آخرین سیرهای دفاعی اقتصاد جهانی است؛ ادراکی که پس از اثر کاشی اولیه، موج دوم و سهمگین‌تری از خریدها را در پی خواهد داشت.

تحلیل تفصیلی سناریوهای سه‌گانه در سایه جنگ

سناریوی اول: تخریب ساختاری و انسداد فرسایشی

این سناریو، تاریک‌ترین چشم‌انداز ممکن برای اقتصاد جهانی است. در این حالت، بحران از انسداد صرفا «لجستیکی و دریایی» فراتر رفته و به تخریب فیزیکی زیرساخت‌های استخراج، پالایش و SPR) قابل جبران نیست. اعلام فورس‌ماژور (Force Majeure) از سوی شرکت‌های ملی نفت خاورمیانه، پالایشگاه‌های مستقل آسیایی و اروپایی را به مرز ورشکستگی و توقف عملیات می‌کشاند. در این نقطه، بازار از فاز «تخلیه ذخایر» وارد فاز بی‌رحمانه «تخریب تقاضا» می‌شود؛ یعنی قیمت‌ها آن‌قدر بالا می‌روند که مصرف‌کنندگان نهایی (از صنایع پتروشیمی تا حمل‌ونقل هوایی) توان پرداخت را از دست داده و اقتصاد جهانی وارد رکود تورمی (Stagflation) عمیق می‌شود. در این سناریو، چشم بازار به خطوط لوله دوزخنده تنگه (مانند خط لوله حبشان-فجیره یا پتروالین) دوخته شده است. در صورت هدف قرارگرفتن این شریان‌های تنفسی جایگزین، بازار آخرین امید خود برای دریافت فیزیکی کالا را از دست خواهد داد. بروز رفتار توده‌ای و خریدهای عصبی با هدف تضمین امنیت انرژی ملی، قیمت نفت برنت را به‌راحتی به کانال

شاهزاده پروازی

ابراهیم اسدی بیدمشکی

روزنامه‌نگار

ایران به مرحله‌ای رسیده که گروه‌های مردمی به‌طور مستقیم برای حفظ نظام سیاسی حاکم وارد عمل شده‌اند. حضور مردم در کف خیابان‌ها شانزدهین شب را هم از سر گذرانده، کاری جمعی که هدفش را فقط حمایت از نظام جمهوری اسلامی در ایران بنیان دانست، بلکه ایرپار به یک رقابت پرنگ، علمی و شهود خیابانی تبدیل شده و از بامداد ۱۸ اسفند، جمععات حمایت از رهبر نظام سوم هم به آن افزوده شده است. سکوی این رقابت، وفاداران موجودیت و تمامیت ارضی «ایران» هستند. در میان این گروه، تنها هواداران سنتی و همیشگی جمهوری اسلاسی حضور ندارند. باید وفادارانی را هم در نظر داشت که نظام سیاسی مستقر را ضامن بقای ایران می‌دانند یا دست‌کم تا زمانی که این یادداشت نوشته شده، به نتیجه رسیده‌اند اکنون، ساختاری به نام جمهوری اسلامی است که جلوی تجاوز بیگانه می‌ایستد. سوی دیگر رقابت اما گروهی است که فعلا در فضای علنی در سکوت فرو رفته است. صدای علنی آنها در روزهای اخیر و به‌طور عمده، فقط زبانی به گوش رسید که رسانه آن‌ور آپ (اپیترنشال) ترور آیت‌الله خامنه‌ای را تأیید کرد تا آنها برای ابراز خوشحالی رخی نشان بدهند. دیگر بعید است کسی اطلاع نداشته باشد «رضا پهلوی» خود را رهبر این گروه از مردم می‌داند. با وجود شرایط جنگی، موفقیت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در ترور مقامات ایرانی و عدم قطعیت‌های امنیتی متعدد که حکومت با آن روبه‌روست، پهلوی در حوادث منتهی به جنگ رمضان به نظر می‌رسد به یک چیز بی‌توجه بوده است؛ آن هم «شرایط شکل‌گیری افکار عمومی» است. او اگرچه توانسته با هزینه آمریکا و اسرائیل و جنگ روانی و رسانه‌ای، روی ناگه‌آمدی، فساد و ضعف‌های ساختاری داخل ایران سوار شود و دل گروهی از مردم را به دست بیاورد، اما همه شرایط شکل‌گرفتن افکار عمومی این نیست. فرهنگ جمعی در جامعه ایرانی که چند قرن است با آموزه‌های دینی همراه شده، الگوها و ویژگی‌هایی دارد. رضا پهلوی پشت سدٔ باورها و ارزش‌های جمعی ایرانی کبر کرده است؛ ارزش‌هایی که در همکارى متقابل فرهنگ ایرانی و اسلام شیعی، بیشتر نمایان می‌شود؛ «وطن‌پرستی و دفاع از تمامیت ارضی، استقلال‌طلبی، غیرت و ناموس‌پرستی و دفاع از مقدسات» و باورها و ارزش‌های دیگری که می‌توان به این فهرست افزود. درحالی‌که بیگانگان از سال‌ها پیش برخی از این ارزش‌ها را –در ضعف فرجه‌یت رسانه‌ای داخلی از جمله صدا و سیما- برای جامعه ایرانی کمرنگ کرده‌اند یا حتی توانسته‌اند تعریف و معنای بعضی از آنها را به‌ویژه برای نسل جدید تغییر دهند، اما به نظر می‌رسد هنوز باور اکثریت مردم،

کالبدشکافی قیمت نفت در تنش‌های خاورمیانه

هژمونی ژئوپلیتیک بر فاندمنتال‌های بازار

۱۵۰ سقوع می‌دهد. در صورت فعال‌شدن فشردگی استقراضی (Short Squeeze) در بازار کاغذی، قیمت‌ها می‌توانند به‌صورت لحظه‌ای و با جهش‌های ناپیوسته به سمت ۲۰۰ دلار پرتاب شود.

سناریوی دوم: گشایش دیپلماتیک برق‌آسا و احیای شریان‌ها

این سناریو، نمایانگر پایان ناگهانی کابوس لجستیکی و بازرگاشی کامل، ایمن و تضمین‌شده تنگه هرمز در سایه یک توافق جامع بین‌المللی است. بازرگشایی آبره‌ها به معنای آزادسازی ناگهانی میلیون‌ها بشکه نفت مجبوس (Stranded Oil) است که طی هفته‌های گذشته در مخازن روی خشکی و نفکش‌های لنگرانداخته تلنبار شدند. بازار کاغذی که مملو از موقعیت‌های خرید متورم در قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار است، با مخابره اولین سیگنال‌های معتبر مین‌روی و اسکورت ایمن ناوگان تجاری، دچار یک «فشردگی خرید» معکوس می‌شود. معامله‌گران برای خروج از بازار به سمت درهای خروجی هجوم می‌آورند. با فروکش‌کردن غبار بحران، معامله‌گران ناگهان به یاد می‌آوردند که اقتصاد جهانی در چه وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. رکود در بخش املاک چین، کاهش تقاضای صنعتی اروپا و نرخ‌های بهره بالا مجدداً به‌عنوان وزنه‌های سنگین به پای قیمت‌ها بسته می‌شوند. اوپک‌پلاس در این سناریو با چالشی تاریخی مواجه است؛ چگونه سیلاب نفت‌های تلنبارشده و آزادشده پس از بازرگشایی را مدیریت کند تا بازار غرق در مازاد عرضه نشود؟ یک سقوط آزاد و خشن (Flash Crash) در بازار رخ خواهد داد. قیمت‌ها در کوتاه‌مدت از قله‌های بالای ۱۰۰ دلار به‌سرعت کانال‌های ۸۰ و ۹۰ را از دست داده و با شیب تند به سمت سطوح حمایتی بنیادین در بازه ۷۰ سقوط می‌کنند.

سناریوی سوم: بازگشایی قطره‌چکانی و نظامی شدن لجستیک

این محتمل‌ترین سناریوی میان‌مدت در صورت حصول یک آتش‌بس شکننده است. تنگه هرمز روی کاغذ با می‌شود، اما اتمسفر بی‌اعتمادی و ترس همچنان بر آب‌های خلیج فارس حاکم است. این «جنگ سرد دریایی»، شرکت‌های بیمه بین‌المللی یک بیمه ریسک جنگ را در ارقام نجومی (مثلاً پنج درصد تا ۱۰ درصد ارزش کل محموله) حفظ می‌کنند. بسیاری از مالکان نفتکش‌های غول‌پیکر (VLCC) از شرکت‌های غربی و ژاپنی، از ورود به منطقه امتناع می‌ورزند. در نتیجه، اگرچه انسداد کامل رفع شده، اما خروج نفت به‌صورت قطره‌چکانی و عمدتا توسط «ناوگان سایه» (Shadow Fleet) با نفتکش‌های دولتی کشورهایی خاص با اسکورت سنگین نظامی انجام می‌پذیرد. اصطکاک در زنجیره تأمین به‌طور کامل رفع نمی‌شود. بازار دانما در ترس از بازگشت به سناریوی اول (انسداد مجدد) به سر می‌برد. «صرف ریسک» در این حالت به یک متغیر ساختاری و چسبیده تبدیل می‌شود که نمی‌توان آن را از قیمت پایه نفت جدا کرد. قیمت‌ها از سقف‌های هیجانی دوران انسداد کامل عقب‌نشینی می‌کنند، اما به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور بیمه، کمبود تاناز در دستر ناوگان دریایی و ندآورس، هرگز به زیر ۹۰ دلار باز نخواهند گشت. بازار در یک کانال فرسایشی، ملتهب و بی‌روسان بین ۹۰ تا ۱۱۵ دلار نوسان خواهد کرد و هر تیتیر خبری مربوط به تحرکات ناوگان‌های نظامی، می‌تواند نوسانات روزانه بین پنج تا هشت دلاری ایجاد کند.

شاهزاده پروازی

مطابق خواسته بیگانگان نیست و گستردگی لازم را پیدا نکرده است. الگوها و ارزش‌هایی که پهلوی و هواداران سرسخت او به آنها باور دارند و تبلیغ می‌کنند، با فرهنگ جمعی ایرانی تطابق ندارد. «تشرک از ترمای و نتانیاوه برای حمله به

مرزهای ایران، ترو آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک مقام عالی دینی و سیاسی، ترور فرماندهان نظامی، کشتار غیرنظامیان (از جمله زنان و کودکان)، توهمین و فحاشی سازمان‌یافته به مقدسات و ارزش‌ها دینقا همان چیزهایی است که مردم می‌بینند با فرهنگ جمعی‌شان تطابقی ندارد. بنابراین افکار عمومی جامعه ایران رویکرد آنها را پس می‌زند. رضا پهلوی دقیقا در همین نقطه شکل‌گیری افکار عمومی دچار معضل است. در چنین شرایطی، او تلاش کرده از خودش چهره‌ای مردمی و مورد پذیرش اکثریت معرفی کند؛ با چه چیزی؟ با اظهارنظر در صفحات مجازی یا پخش فیلم‌های کوتاه از خودش. پیش از جنگ رمضان، به دنبال جلب حمایت افشار مذهبی ایران (با عنوان مخالفان جمهوری اسلامی و اسلام‌تلاش، بازار رفت، درحالی‌که در فراخوان‌ها و شعارهای هوادارانش فحاشی و توهمین سازمان‌یافته به مقدسات و مقدسام برجسته است، یا همین اوایل جنگ، گفت دلش برای کشته‌شدن سه قهرمان آمریکایی به درد آمده و ابراز تأسف کرد، اما دربار جان‌باختن کودکان در فاجعه مدرسه میناب ساکت بود. پهلوی در گفته‌هایش از تمامیت ارضی دفاع می‌کند تا روی همان باور مین‌پرستی ایرانیان سوار شود، ولی روی زمین و در واقعیت، پشتیبان‌هایش در حال تخریب و کشتار ایرانیان هستند. رضا پهلوی از سال‌ها پیش به‌عنوان یک چهره مخالف جمهوری اسلامی در ایران شناخته شده بود، اما در مدت اخیر نامش یکباره با پشتیبانی رسانه‌ای و سایبری‌های فضای مجازی بیشتر بر سر زبان‌ها افتاد. او برای دستیابی به قدرتی که سال ۱۳۵۷ از او و خانواده‌اش گرفته شد، در آغوش بنیامین نتانیاوه رفته و برای دونالد ترامپ دم تکان می‌دهد. حال آن‌که اظهارنظر اخیر ترامپ نشان می‌دهد آن چنان هم معلوم نیست رضا پهلوی گزینه مورد نظر آمریکا برای دوران بساجمهوری اسلامی باشد. این یعنی او از تاریخ درس نگرفته؛ وقتی که بود و نبود پی‌در پی‌رژنکس در ایران به اراده آمریکا و انگلیس بستگی داشت. رضا پهلوی خواسته یا ناخواسته وارد قمار بزرگ اسرائیل و ابرار نتانیاوه برای درهم‌شکستن مقاومت ایران شده است. گروهی که مخالفان جمهوری اسلامی هم آرزوی براندازی را در این دیده‌اند که او از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر از مرزها بیاید و ایران را آباد کند؛ در یک ارتجاع و بازگشت از جمهوریت به سلطنت؛ آن هم به دست یک «شاهزاده پروازی».

فراخوان مناقصه همراه با ارزیابی کثی

نوبت دوم

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **WWW.SETADIRAN.IR** انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه مزایده گزای مناقصه گزای	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	۵۷/۴۰۴/ک	۸۵۹-۰۹۲۱۷۰۰۰۰۲۰۰۴	01-90-0432115/G06	“BEAMS” I	۱/۵۴۰/۳۰۰/۰۰۰	الف – مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ <p>ب- آخرین مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹</p>

شماره آگهی ۲۱۴۴۶۰۴ نوبت اول ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۲/۲۵

روابط عمومی – شرکت پالایش نفت آبادان

شرق

خبر

واحدهای تولیدی صنایع غذایی سه شیفته شدند

سخت‌نگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه برای افزایش تولید در زمان جنگ، برخی واحدهای تولیدی به‌ویژه در حوزه صنایع غذایی سه شیفته شدند، جزئیات حمایت از واحدهای تولیدی را اعلام کرد.

به گزارش ایلنا، عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: تمام واحدهای تولیدی در حال حاضر در کشور فعال‌اند مگر آن واحدهایی که در جنگ آسیب دیده باشند.

او با تأکید بر حمایت از واحدهای تولیدی در زمان جنگ گفت: یکی از این حمایت‌ها مربوط به چک برگشتی است. بدین ترتیب، اگر چک تولیدکنندگان از تاریخ ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ تا اطلاع ثانوی برگشت بخورد، مشمول اعمال محدودیت‌های ماده ۵ و ماده ۲۱ قانون چک نیستند؛ یعنی می‌توانند دسته‌چک، تسهیلات و ضمانت‌نامه بگیرند و حساب افتتاح و کارت‌های بازرگانی‌شان را تمدید کنند. بنابراین، محدودیت‌های چک برگشتی برای واحدهایی که از ۹ اسفندماه چکشان برگشت بخورد، اعمال نمی‌شود. همچنین یکی از شروط تمدید کارت بازرگانی، رفع ۷۰درصدی تعهد ارزی تولیدکننده است. در حال حاضر، این ۷۰ درصد به ۶۰ درصد کاهش یافته است و کسانی که تا ۶۰ درصد رفع تعهد ارزی کنند، تا پایان فروردین‌ماه می‌توانند کارت بازرگانی خود را تمدید کنند.

زارعی افزود: یکی دیگر از مصوبات مربوط به سقف مانده تسهیلات سرمایه در گردش اعطایی است که از ۹۰ درصد فروش سال گذشته به ۱۳۵ درصد افزایش پیدا کرد. همچنین سقف فردی ذی‌نفع واحد هم از ۲۰ به ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد.

زارعی با اشاره به تسهیل و تسریع در ارز دریافتی واحدهای تولیدی برای واردات مواد اولیه و تجهیزات تولید، گفت: اقدام دیگری که در وزارت صنعت در دست بررسی داریم و در هفته جاری انجام خواهد شد مربوط به اختصاص ارز برای واردات مواد اولیه است که بر مبنای میانگین سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ واحدهای تولیدی درصدی برای فصل بهار اختصاص پیدا خواهد کرد که بتوانند برنامه‌ریزی بهتری داشته باشد.

خسارت خودروهای جنگ‌زده

بدون بیمه پرداخت می‌شود
نهاد ناظر صنعت بیمه با صدور مکاتبه‌ای از طرف معاونت نظارت نحوه ارزیابی خسارت‌های وارده بر خودروهای آسیب‌دیده در جنگ را مشخص کرد.

به گزارش مهر به نقل از بیمه مرکزی، نهاد ناظر صنعت بیمه اعلام کرد شرکت‌های بیمه پرداخت خسارت زیان‌دیدگان این‌جنگ را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در اجرای تصمیم وزارت اقتصاد و دولت، تمامی ظرفیت‌های خود را به کار گرفته و ارزیابی خسارت وارده بر کلیه خودروها اعم از اینکه دارای پوشش بیمه‌ای باشند یا نباشند را انجام خواهد داد.

بر اساس این گزارش، معاونت نظارت بیمه مرکزی ضمن‌ای به شرکت بیمه ایران اعلام کرد این شرکت با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط، کلیه ارزیابی‌های ریالی خسارات وارده به خودروهای مردم را توسط واحدهای ارزیابی خسارت انجام دهد.